

عنوان مقاله:

تبیین مفهوم آستانگی در برهم کنش درون و بیرون محدوده ها در معماری

محل انتشار:

نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره 25، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

ابوب علی نیای مطلق - دانشجو/ دانشگاه یزد

رضا شکوری - ƏƏ گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر

علیرضا عینی فر - پردیس هنرهای زیبا/دانشکده معماری

خلاصه مقاله:

تبیین محدوده در معماری به مثابه ایجاد یک «درون» درمیانه «بیرون» است، از آنجا که پیوند با «بیرون» در یک محدوده گریزناپذیر است، می تواند منجر به محاق رفتن حیثیت «درون» محدوده شود. تلقی آستانگی به مثابه سازوکاری در دیالکتیک درون و بیرون به منظور تبیین حدود مکان ها، مجموعه ای از مهمترین یافته های این تحقیق را رهنمون می شود. نقطه ی عزیمت در تدوین چارچوب نظری این پژوهش، این پرسش اساسی است که چگونه کاربرست مفهوم آستانگی می تواند منجر به تبیین حدود مکان در معماری شود. رویکرد پژوهش در این مقاله کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر استدلال منطقی انجام شده است. برای این منظور پس از تعریف محدوده و تحلیل برهم کنش درون و بیرون، از طریق تحلیل مفهوم لیمینالیتی [1] به ارائه یک مدل نظری جهت احصاء حدود مکان، اشاره خواهیم داشت. نتایج نشان می دهد که موضع «گذار» در سازوکار آستانگی تعیین کننده ی حیثیت انفصالی و اتصالی کرانه های یک محدوده است که ذیل بینش مراتبی در این مقاله، سه حالت تقابلی، تعاملی و متعالی را در ارتباط میان محدوده ها فراهم می آورد حالت های مذکور، به سبب نوع مطالبه خود از معماری نقش های متفاوتی را به مولفه های برساننده ی محدوده مکانی تخصیص داده که می توانند تجربه در درون بودن کامل (یگانگی) تا بیرون بودن (بیگانگی) را در مدرک، ایجاد و معیارهایی برای بسط محدوده ها مشخص کنند. [Liminality].

کلمات کلیدی:

محدوده، درون، بیرون، آستانگی و گذار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1777937>

